

# نسیم دوستی در قطعه‌ای از بهشت

## خرده‌روایت‌هایی از مراسم وداع با پیکر نسیم افغانی و ارادت‌مشهدی‌ها به این شهید

فرزانه شهامت  
f.shahamat@shahraranews.ir

۹۹ تیر ۳۰، ساعت ۰۷:۰۷، فرودگاه شهید هاشمی‌نژاد

برای استقبال از مهمانان به پایون فرودگاه، هدایت می‌شویم. هر چه باشد، مهمان ویژه پذیرایی ویژه می‌طلبد. به گیت ورودی نرسیده، مسئول هماهنگی مراسم به پیشوازمان می‌آید و می‌پرسد: از کجا تشریف آورده‌اید. وقتی نام روزنامه شهرا را را می‌شنود، کارت تردد ویژه خبرنگاران، منقوش به تصویری از شهید و یونی را می‌دهد و به واحد بازرسی خواهران، هدایتان می‌کند.

محوطه پایون، شلوغ است. هر کسی خودش را طوری سرگرم کرده است. برخی ایستاده و برخی نشسته، آمدن مهمان عزیز را انتظار می‌کشند. جدای از تعدد سبزه‌پوشان سپاه، یکی دو روحانی و چند خانم از خانواده شهدای فاطمیون، در میان جمعیت متمایزند. عکاسان مهبای آماده کرده‌اند دوربین و ثبت تصاویر مراسم هستند. گروه استقبال نظامی هم برای آخرین بار، تمرین می‌کند.

آشنایی ما - که برای خوشامدگویی اینجا جمع شده‌ایم - با کسی که ما را بهتر از خودمان می‌شناسد، در یک هفته خلاصه می‌شود. پیش از آن، نه عکسش را دیده بودیم و نه حتی می‌دانستیم که «نسیم» می‌تواند اسم پسر باشد. راستش ما سرگرم

روزمرگی هایمان بودیم که خبر رسید کاروانی از فرزندان میهن با سلام و صلوات، به کشور برگشته‌اند. حضور «نسیم افغانی» در میان شهدای تازه تفحص شده، یک معنی روشن داشت؛ اینکه او کاری به خط کشی مرزها نداشته است. در ذهن او فقط یک مرز وجود داشته و آن، مرز میان حق و باطل بوده است. همین کافی بود تا جانش را کف دست بگیرد و عازم جنگی تحمیل شده بر ایران اسلامی شود. بدون انتظار شنیدن آفرین‌های مادی و معنوی از این وان.

همین بود که دیروز هشتگ #نسیم\_دوستی بین کاربران فضای مجازی ترند شود. یکی از کاربران در همین باره در توئیتر نوشته بود: «نسیم افغانی برای اسلام و خدا شهید شد». یا کاربر دیگری نوشت: «دیگر نسیم و نسیم‌های افغان را در دل‌های مستضعفان افغان و ایران باید جستجو کرد؛ شهامت، دل‌آوری و شجاعتشان قابل تحسین بود.»

۴۵ دقیقه‌ای می‌گذرد. با وجود سرپا ایستادن در آفتاب، رد خستگی در چهره



کسی پیدا نیست. سرهنگ پاسدار محمد احراری، رئیس کمیته جست‌وجوی مفقودین نیروهای مسلح خراسان رضوی، بلندگو دست گرفته است و از حضار می‌خواهد که فاصله اجتماعی را رعایت کنند. توزیع ماسک که تمام می‌شود، نوبت به تقسیم شاخه‌های گلایل سفید می‌رسد. معاون امور زائران استاندار، فرماندار و شهردار مشهد و فرمانده قرارگاه ثامن الائمه (ع) در میان جمعیت دیده می‌شوند.

نوجوانی با لباس محلی افغانستانی در صف نخست استقبال کنندگان ایستاده است. می‌گوید نامش محمدحسین شهبازی است. سه چهار سالی از شهادت برادرش، خیرا... در جنگ سوریه می‌گذرد. او جزو شهدای فاطمیون بوده است. محمدحسین مختصر می‌گوید آمده است تا برای نسیم، برادری کند؛ نیتی که به تعداد خواهران و مادران شهدای حاضر در مراسم، تکثیر می‌شود. خودروی بهداری سپاه، در انتهای محوطه توقف می‌کند. سکوت یک‌باره جمعیت و منظم شدن صف‌ها می‌گوید که مهمانان از راه رسیده است.

گروه نظامی، مارش می‌نوازند. تابوت «نسیم»، روی دوش چهار نفر به سمت چپ جایگاه می‌آید. نظامیانی که لایه لای جمعیت ایستاده‌اند، به روح او و بقایای پیکرش ادای احترام می‌کنند. تابوت به خانواده شهدای فاطمیون که می‌رسد، صدای تقاضای خانم‌ها بلند می‌شود: «بگذارید چند دقیقه زیارت کنیم.» هق هق گریه از میان جمعیت بلند می‌شود. داغ‌ها تازه شده است. شاخه‌های گل، روی

روزنامه شهرا

روزنامه شهرا

روزنامه شهرا

روزنامه شهرا

روزنامه شهرا

روزنامه شهرا

روزنامه شهرا

روزنامه شهرا

روزنامه شهرا

روزنامه شهرا

روزنامه شهرا

روزنامه شهرا

روزنامه شهرا

روزنامه شهرا

روزنامه شهرا

روزنامه شهرا

روزنامه شهرا

روزنامه شهرا

روزنامه شهرا

روزنامه شهرا

روزنامه شهرا

روزنامه شهرا

روزنامه شهرا

روزنامه شهرا

روزنامه شهرا

روزنامه شهرا

روزنامه شهرا

روزنامه شهرا

روزنامه شهرا

روزنامه شهرا

روزنامه شهرا

روزنامه شهرا

روزنامه شهرا

روزنامه شهرا

روزنامه شهرا

روزنامه شهرا

روزنامه شهرا

روزنامه شهرا

روزنامه شهرا

روزنامه شهرا

روزنامه شهرا

روزنامه شهرا

روزنامه شهرا

روزنامه شهرا

روزنامه شهرا

روزنامه شهرا

روزنامه شهرا

روزنامه شهرا

روزنامه شهرا

روزنامه شهرا

روزنامه شهرا

حتی لحظه‌ای به این فکر نکرده است که چرا مجاهدان هموطنش در جنگ ایران اسلامی با بعضی‌ها جان فشانی کردند.

آرزوی او در چند جمله خلاصه می‌شود: فرج امام زمان (عج) و رخت بستن کرونا از دنیا. دیگر میهمان مراسم، بانویی اهل سمنان و شصت و چندساله است. نامی از خودش به زبان نمی‌آورد. همین قدر می‌گوید که با ۲۰۰۰ شهیدی که آتش جنگ تحمیلی از روستای سرشاداد گرفته است، معنی داغ

دین را خوب می‌فهمد. تفاوت گویش‌ها، درک سوالات ما را برای او و فهمیدن پاسخ‌هایش را برای ما دشوار کرده است.

شرکت در مراسم وداع شهید، مانند یک خوشی بی‌هوا، روزی‌اش شده است: «در صحن سقاخانه ایستاده بودم که شنیدم دارند شهیدی را تشییع می‌کنند. آمدم دم در رواق امام (ره) ایستادم. یکی از خدام آقا نزدیکمان آمد و کارت دعوت به من و شوهرم را به من داد. الهی شکر که قسمتمان شد.» قربان صدقه امام (رضاع) و شهیدی می‌رود که حتی نامش را نمی‌داند و چشم‌های خیس از اشک‌های سرخوشانه‌اش را لایه لای چادر نمازش پنهان می‌کند. «شهید، شهید است دیگر. ایرانی، افغانستانی یا هر جای دیگر، چه فرقی دارد؟!»

زهره عبدی، از همشهریانمان، این‌طور فکر می‌کند. سی‌ساله است و عاشق شهادت، حتی اگر به قیمت فراق عزیزانش تمام شود. دلیل حضورش در مراسم نیز در همین عشق خلاصه می‌شود. رضایت دادن برای حضور شوهرش در جبهه سوریه را به عنوان نشانه راست بودن ادعایش مطرح می‌کند. میثم، فرزند خردسالش، را در آغوش می‌فشارد و آرزو می‌کند دعای شهید در حق او و خانواده‌اش مستجاب شود و آن دنیا که محتاج دستگیری خواهد شد، دست‌هایش از عنایت «نسیم» خالی نماند.

چیزی به اذان مغرب مانده است. رضا شفیع اهل تهران است و برای رفتن عجله دارد. کوتاه می‌گوید که سفرش به مشهد را به دلیل حضور در مراسم وداع با شهید جابه‌جا کرده است. کارت دعوت را هم با اصرار به خدمت‌های بی‌شمار آقا می‌گوید. حضور در مراسم شهید غریب را یکی از همان عنایات‌ها می‌داند.

خواندن نماز بر پیکر نسیم، پایان بخش مراسم است. مردمی که حالا با اطمینان می‌شود گفت از هر قشری در میانشان حضور دارند، پیکر شهید را بدرقه می‌کنند، به امید دیدار در قیامت.

تابوت ریخته می‌شود. صدای گریه‌های سراسر دل‌تنگی مادر شهید رضا اسماعیلی - از شهدای فاطمیون - از بقیه بلندتر است: «هن مادر رضا هستیم، سلام را به پسر سر بریده‌ام برسان.» برای مادر، صدایی می‌آورد تا در آرامش با «نسیم» نجوا کند. «اللهم ارزقنی شفاعة الحسین یوم الورد...» زیارت عاشورا به انتها رسیده است. تعدادی از اعضای شورای تأمین استان، ایستاده در کنار تابوت، زیارت را زمزمه کرده‌اند. یکی از فرماندهان سپاه سر را بر روی تابوت گذاشته است و با چشم‌هایی به‌اشک‌نشسته، با شهید راز دل می‌گوید. سرکنسول افغانستان جلوی دوربین رفته است و از برگزاری مراسم و ادای احترام به ساحت شهید، قدر دانی می‌کند.

«نسیم افغانی» به پیوندهای ناتمام و ناگسستنی ایران و افغانستان افزوده می‌شود. ساعت ۵:۱۸، حرم مطهر، صحن آزادی برای حضور در مراسم وداع با پیکر شهید، به رواق امام خمینی (ره) دعوت شده‌ایم. خدام اجازه ورود نمی‌دهند. برایشان کارت خبرنگاری اعتبار ندارد. می‌گویند برای ورود، کارت دعوت ویژه لازم است که نداریم. به رابط خبری‌مان در قرارگاه زنگ می‌زنیم و او به روابط عمومی آستان قدس. هماهنگی یک ربع ساعت طول می‌کشد و در نهایت اذن ورود ظاهری را از خدام و اجازه حقیقی را از شهید می‌گیریم. رواق امام (ره) خلوت است. می‌دانیم که خیلی‌ها از روی حضور در مراسم دارند، اما کرونا مسئولان مراسم را به رعایت نکات بهداشتی ناگزیر کرده است.

## رفتنی بی بازگشت

سیدهاشم عطاری  
هم‌رزم شهید

بنده و شهید نسیم افغانی در مقطعی سه‌ماهه، در دو عملیات والفجر مقدماتی و والفجر یک هم‌رزم بودیم. من آن موقع پانزده‌ساله و تک‌تیرانداز دسته بوم و نسیم، سی‌ویک‌ساله و آرپی‌جزن. مهم‌ترین ویژگی‌های اخلاقی او، شوخ‌طبعی و خوش برخوردی‌اش بود. به اضافه این موارد، شجاعت، ویژگی منحصر به فردی است که تمام هم‌رزمانش از او به یاد دارند؛ خصیصه‌ای که آرپی‌جزن‌ها عموماً از آن برخوردار هستند. وظیفه آن‌ها این‌طور ایجاب می‌کند که جلو بروند و

## رزم‌پارهنه

محمدرضا موفق  
هم‌رزم شهید

والفجر یک، در عملیات‌های دیگری مثل محرم و فتح خرمشهر هم حضور داشت. در ۲۲ فروردین سال ۶۲، حین عملیات والفجر یک، پس از اصابت خمپاره مجروح شدم. گمانم نسیم فردای همان روز یعنی ۲۳ فروردین شهادت را به دست آورد. ما مجبور شدیم محور را تخلیه کنیم؛ به همین دلیل پیکرش در محور ماند. خاطر اتش را فراموش نمی‌کنم و اینکه در مانورهای عملیات، به جای پوشیدن پوتین، پارهنه رزم می‌کرد. وقتی خبر پیدا شدن پیکرش منتشر شد، ما در تماشای گرفت و گفت: شهیدی که همیشه خاطر اتش را برایمان تعریف می‌کردی، پیدا شده است. منبع: مشرق



## سیاست فرمودن حاجی، پسر «ط»

از فراری که در روزنامه آن مملکت مسطور است، مهم خراسان از کمال مراقبت و نهایت اهتمام شاهزاده حسام‌السلطنه به کمال انتظام مقرون است. از اوایل جدی تا اواخر سال باردگی از طرف و باران زیاده از غالب سنوات شده و مردم آن صفحات با کمال اطمینان به فضل و رحمت حضرت منان به دعای دولت جاویدان اشتغال دارند و در نرخ غلات، تنزل کلی حاصل شده و در جاست که در هذلسنه پیچی ثیل قیمت اجناس و غلات در آن صفحات بلکه در عموم ممالک محروسه ایران با سنوات سابقه، مقارب و مصادف شود. اکنون در خراسان، گندم خرواری ۷ تومان و جو خرواری ۵ تومان است.

خراسان، چندین‌بار از رعایای ظاهرالصلاح که از زمره اهل جماعت و فلاح، خود را معروف نموده و باطنش به نفاق و شقاق و عدم تدین موصوف بودند، چندی قبل با حاجی‌نام پسر «ط» که به رشادت و بی‌باکی مشهور و از جلدات و ناپاکی خود مغرور بود، در رسم یافته و موافقت پیش گرفته و به سرقت اموال مردم اشتغال می‌نمودند، حتی آن که در ماه گذشته، شخصی را خفه نموده و جسد او را در چاه مخفی کرده بودند. مراتب سرقت و هرزگی او را در خدمت حسام‌السلطنه معروض داشته بودند. شاهزاده او را از کدخدای محل و کارکنان ولایتی خواسته. کدخدا با ۱۰ نفر فزاش، صحبگهان بی‌خبرانه به خانه او درآمدند. چون حاجی‌نام سر از بستر برداشت، خود را در جنگ گماشتگان حکومت، دستگیر گشته و به پاداش اعمال خویش گرفتار و اسیر دید، ناچار دست به طپانچه و شمشیر برده، دو نفر را به زخم چهارپایه و یک نفر را به ضرب قداره مجروح ساخت و بالاخره دستگیر گشته. یک نفر از رفقای صالح‌نمای او نیز گرفتار شده و به حضور شاهزاده آوردند و به شرارت و سرقت و قتل نفس اقرار کردند. شاهزاده پس از آنکه بعضی از اموال مسروقه را که در نزد آن‌ها موجود بود، گرفته، به صاحبان رد کردند، حکم به سیاست آن‌ها نموده بودند که عبرت سایر اشرار و مردمان شقاوت‌دم‌را شود و دیگری نیز همداسته او که مردی صباغ و اهل اصفهان است، در آستانه مقدسه بستی شده و در کشیک‌خانه دربانان حضرت، محبوس است.

روزنامه ایران/ شماره ۱۴/۸۸ صفر ۱۲۸۹

منبع: اخبار خراسان در مطبوعات دوره قاجار

سید مهدی سیدقطبی

شهرودا ممنون می‌شوم وضعیت مطب دکترهای نامی شهر را هم بررسی کنید.



جلالی ۸۰۰ متر زمین در چمن ۸۸ موروثی ۱۱ هست که زمین خواران زیادی به آن چشم دوخته‌اند. هر سال عده‌ای زمین‌خوار پیدا می‌شوند و دور زمین را دیواری می‌کشند و چار و جنگالی به دنبال خودشان می‌آورند. بعد تخریب دیوار، نخاله‌ها می‌ماند برای اهالی که باید پولی روی هم بگذارند، آن‌ها را انتقال بدهند. چشم شهرداری مشهد روشن!



جواد پور عیدی | بولوار امامت؛ قبل از پیامک به شهر آرا و بولوار امامت؛ بعد از پیامک به شهر آرا. دم شهرداری منطقه هم گرم!



شهرودا! اعتراض تاکسی‌رانان مشهد به چهار ماه بی‌کاری و افزایش هزینه‌ها. ۹۹ تیر ۹۹

برای دیدن این فیلم کد ره‌یور اسکن کنید

امیرحسین یابوری، معاون کاهش تقاضا و مشارکت مردمی ستاد مبارزه با مواد مخدر:

برنامه‌ریزی شده است از طریق صندوق ملی کارآفرینی به هر معنای که ترک کرده است و می‌خواهد شروع به کار کند، ۵۰ میلیون تومان وام با بهره کم پرداخت شود.

مشور حقوق و مسئولیت‌های شهروندی (۱۳)

فصل چهارم: حق بر امکانات و خدمات

۴-۴ - بهداشت و سلامت

مدیریت شهری موظف است به توسعه و ترویج ورزش‌های همگانی از طریق ایجاد و تقویت زیرساخت‌های لازم و زمینه‌های فرهنگی مورد نیاز برای همه افراد اقدام نماید.

برای مطالعه مشور کامل حقوق و مسئولیت‌های شهروندی شهردار مشهد کد ره‌یور اسکن کنید

شهرودا! اعتراض تاکسی‌رانان مشهد به چهار ماه بی‌کاری و افزایش هزینه‌ها. ۹۹ تیر ۹۹

برای دیدن این فیلم کد ره‌یور اسکن کنید



نگاه‌شما

به روایت منشور

## فوتوشهر

نسیم افغانی هیچ‌وقت چهره ناشناس نبوده است. درست است که از هم‌رزمان مانده، کسی فامیلیش را نمی‌داند یا کس و کارش را نمی‌شناسد اما خیلی از رزمندگان مشه‌دی با همین نام می‌شناختندش و حالا همه مردم ایران او را می‌شناسند.

عکس: محسن بخشنده | شه‌رآرا